



همسایه پرهزیننه

بررسی میزبانی ۴۰ ساله مهاجران و مسئولیت دولت چهاردهم در قبال چالش‌های امنیتی افغانستان

با پاکستان و افغانستان دیوار خواهد کشید. این کاندیدای انتخابات تأکید کرد: «اتباع غیرمجاز و ریشه‌همه آسیب‌های اجتماعی جدی در حوزه مواد مخدر، اشتغال، طلاق و... و همه آسیب‌های جدی ریشه در شرق کشور دارد». مسعود پزشکیان نیز در جریان کمیپن خود، در شبکه ایکس نوشت: «دولت من انشالله سه اقدام همزمان در رابطه با مهاجرین افغانستانی را پیش می‌برد: ۱. انسداد کامل مرزها و جلوگیری از مهاجرت بیشتر که مسئولیت محوری به وزارت کشور خواهد بود. ۲. ساماندهی مهاجرین موجود. نباید انکار کرد که تعداد زیادی از برادران افغان نقش مؤثری در اقتصاد ایران دارند یا در جنگ تحمیلی و... فداکاری کرده‌اند ولی حضور آنها در ایران باید ساماندهی شده با انضباط باشد. (وظیفه وزارت کشور و وزارت اطلاعات) ۳. مذاکره با کشورهای اروپایی برای پذیرش بخشی از مهاجرین (و یا حداقل تقبل هزینه‌های حضور آنان در ایران). غرب باید مسئولیت آنچه در افغانستان انجام داده و منجر به مهاجرت میلیون‌ها افغانستانی شده است را بپذیرد. دلیلی ندارد که مردم ایران هزینه‌های غلط دیگران را بپردازند».

اسکندر مومنی، وزیر کشور نیز روز سمشنبه هفته گذشته در جریان ارائه برنامه‌های خود به مجلس شورای اسلامی در خصوص

این دو کشور افزایش چشمگیر و حتی غیرقابل کنترلی پیدا کند. براساس گزارش سال ۲۰۲۲ کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان، برای هفتمین سال متوالی، ترکیه با نزدیک به ۲/۶ میلیون پناهنده، عمدتاً سوری، بزرگترین کشور میزبان در جهان بوده است و پاکستان و جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان دومیزبان اصلی پناهجویان از افغانستان، دومین کشور مبدأ و جزء ۱۰ کشور برتر میزبان پناهجویان بوده‌اند. جواد هدایتی، مدیرکل دفتر ترانزیت و حمل‌ونقل بین‌المللی سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای، ۱۵ فروردین ۱۴۰۱ با استناد به آمار رسمی گفت: «پس از روی کار آمدن طالبان، ورود افغان‌ها به کشورهایمان از مرزهای رسمی به روزانه حدود پنج هزار نفر رسیده؛ در حالی که این رقم قبل از تحولات افغانستان چیزی بین ۷۰۰ و ۸۰۰ نفر در روز بود». در سال‌های گذشته، دولت سیزدهم بارها از سوی افکار عمومی و نهادهای مدنی مورد مطالبه شناسایی، سازماندهی و ایجاد تناسب میان آمار ورود و خروج مهاجرین قرار گرفته است که شواهد حاکی از عدم وجود توان یا اراده برای پاسخگویی به این مطالبه بود. در جریان رقابت‌های انتخاباتی، نخستین بار محمدباقر قالیباف بود که در جریان یکی از مناظره‌ها گفت که برای برقراری امنیت در مرز شرقی



فاطمه کلانتری

خبرنگار گروه دیپلماسی

۱۵ اوت ۲۰۲۱، در بحبوحه خروج ایالات متحده و ناتو از افغانستان، اشرف غنی، رئیس‌جمهور، ارگ کابل را ترک کرد تا طالبان بار دیگر حکومت را در همسایه شرقی جمهوری اسلامی ایران به دست بگیرند. در روز سقوط پایتخت افغانستان، تصاویری آخرالزمانی از فرودگاه کابل به جهان مخابره شد که مردم این کشور را در حال تلاش برای خروج، حتی به قیمت آویزان شدن از چرخ‌های هواپیماهای آمریکایی نشان می‌داد. آن‌هایی که اما نتوانستند خاک وطن را به‌صورت هوایی ترک کنند، از ساعتی پس از ورود طالبان به پایتخت، راهی مرزها شدند تا موج جدیدی از مهاجرت افغانستانی‌ها، رقم بخورد. این بار نیز اما بار میزبانی و پذیرش بخش قابل توجهی از این مهاجرین را دو همسایه جنوبی و غربی، یعنی پاکستان و ایران به دوش گرفتند تا آمار مهاجرین در



AP-تکس

نگاه
دیپلمات

ابراهیم رحیم‌پور معاون پیشین آسیا اقیانوسیه وزارت خارجه در گفت‌وگو با هم‌میهن:

نه دیوارکشی، نه اعطای تابعیت با پول

معنایی دارد، همچنین حکومتی بدون ضابطه هستند با لشکری پابره‌نه و تعلقات ضدایرانی و ضدشیعه دارند. لذا بنده دغدغه این را دارم و برآیم سوال است که چرا براساس این تحلیل، سیاست خود را با طالبان تعیین نمی‌کنیم و مرزهای خودمان را به روی اتباع افغانستانی باز کرده و بیش از اندازه در حال اعطای تابعیت هستیم و در مناطق مختلف برای خود پایگاه واقعی می‌سازند و قابلیت سازماندهی دارند.

ترور ایمن الظواهری، رهبر القاعده، تنها چندماه پس از روی کار آمدن طالبان، در حالی که در اقامتگاه خود در کابل حضور داشت، هشداری بود مبنی بر اینکه همسایه شرقی ما بار دیگر به مأموری برای تروریسم بدل شده است. در سومین سال حکومت طالبان نیز معاون دیپلرک سازمان ملل نسبت به رشد داعش خراسان در این کشور و نماینده ویژه پاکستان در امور افغانستان نسبت به وقوع ۱۱ سپتامبر جدید از مبدأ این کشور هشدار داده‌اند؛ آیا این خطر امنیتی در جمهوری اسلامی ایران نیز درگ شده است؟ قاعدتاً باید صحنه و حاکمیت و مردم و وضعیت معیشت مردم و در عین حال بده‌بستان طالبان با آمریکا را نگاه کنید. افغانستان تا آنجا که من رصد می‌کنم، بخش قابل توجهی از گروه‌های اسلام‌گرا از داعش یا طیف‌های دیگر میزبانی می‌کند که بسیاری با حاکمیت این کشور نیز در ارتباط هستند و افغانستان را به مرکز تروریسم منطقه تبدیل کرده‌اند و لذا این جغرافیا برای همسایگان و کشورهای منطقه دارای خطر است که یکی از این کشورها ایران است. کمک به طالبان برای تثبیت بیشتر یک اشتباه فاحشی است که اگر بخشی از دوستان ما دنبال کنند قطعاً به خطا رفته‌اند. من درگیری با طالبان را تجویز نمی‌کنم چرا که امروز حاکمیت افغانستان با این گروه است هر چند معتقدم می‌توانستیم مانع از بازگشت این گروه به قدرت شویم کما اینکه پیش از این در سقوط این گروه نقش داشتیم.

آنچه در سه سال گذشته روی داده و انتقادات داخلی فراوانی را نیز به دنبال داشته، موجب شده تا مسئله مهاجرین افغان، به یکی از موضوعات کم‌پین‌های انتخابات چهاردهم تبدیل شود تا جایی که یکی از کاندیداها از

محاسبه می‌شد. طبیعی بود که احساسی نسبت به آمریکا در بخشی از جامعه وجود دارد. در نهایت آمریکایی‌ها با ظاهر فرار و باطن بده‌بستان، افغانستان را ترک کردند و از این جهت این معادله بایستی طبیعتاً از ذهن سیاستگذاران سیاست خارجی که طبیعتاً بالاتر از وزارت امور خارجه هستند، دقیق‌تر نگاه می‌شد که از نظر من این دقت صورت‌نگرفت و لذا طالبانی روی کار آمد که سابقه مثبتی با ماندن داشت و در عین حال دولت بنیادگرایی بی‌ضابطه است و آن نوع ظاهری حکومتداری را نیز رعایت نمی‌کند. در چنین شرایطی شما به رابطه این حکومت با همسایگان نگاه کنید؛ با پاکستان درگیر است، با تاجیکستان هم‌درگیر است، ترکمنستان سیاست‌های خاص خود را دارد که در ازگیری اجتناب می‌کند اما قطعاً رضایت ندارد، چین فرصتی پیدا کرده که جایگزین هندی‌ها شود چرا که در دوره جمهوری، این هندی‌ها بودند که به واسطه ایران و استفاده از راه‌های ترانزیتی ما در این حوزه فعال بودند و حالا چینی‌ها در بُعد اقتصادی و امنیتی با طالبان وارد تعامل شده‌اند. بنده از ابتدا و از زمانی که خودم مسئول بودم و بخش‌هایی در کشور با طالبان کار می‌کردند نیز معتقد بودم که کار

آشکار با این گروه به صلاح نیست و کار غیرآشکار تنها باید به سبب حفظ امنیت کشور و فارسی‌زبانان و شیعیان و بده‌بستان صورت بگیرد. امروز باید ببینیم در چه وضعیتی هستیم؛ به‌صورت بالقوه طالبان برای ما خطر است؛ چه از آن جهت که آمریکایی‌ها سلاح فراوانی را در افغانستان برای طالبان گذاشته‌اند که به‌نیت مقابله با پاکستان نیست و مشخص است که چه

ابراهیم رحیم‌پور، معاون پیشین آسیا اقیانوسیه وزارت امور خارجه در گفت‌وگو با هم‌میهن گفت: «کمک ما به مهاجرین افغانستانی باید قانونمند و در جهت کمک به ایشان برای بازگشت و مشارکت در سرنوشت خود باشد و اقامت بلندمدت و بی‌قانون و مرزهای بدون کنترل موجب ناامنی و ایجاد خطرات تروریسم و ناهنجاری در کشور خودمان می‌شود». این دیپلمات بازنشسته همچنین تأکید کرد: «کمک به طالبان برای تثبیت بیشتر یک اشتباه فاحشی است که اگر بخشی از دوستان ما دنبال کنند قطعاً به خطا رفته‌اند».

۴ در حالی وارد سومین سال سقوط جمهوریت در افغانستان و بازگشت طالبان به قدرت شده‌ایم که سیاست‌های دولت سیزدهم در قبال این تحول منطقه‌ای، انتقادات فراوانی را به همراه داشته است که یکی از بحث‌برانگیزترین این سیاست‌ها، موضوع پذیرش مهاجرین افغانستانی است؛ امروز و در آغاز دولت جدید، سیاستگذاران چه چالشی در این حوزه در پیش خواهند داشت؟

در طول سه سال گذشته که طالبان روی کار آمد، در ایران نیز دولت عوض شد و باید بگویم سیاست دولت دوازدهم و سیزدهم در این حوزه متفاوت بود؛ به‌خصوص آنکه دولت دوازدهم با طالبان مواجه نبود ولی شواهد بر اینک آمریکایی‌ها در صد ترک افغانستان هستند، وجود داشت اما در ایران به هر دلیلی خروج آمریکا جشن گرفته شد. این در حالی است که باید به این سوال پاسخ می‌دادند حالا که این خروج صورت گرفته نتیجه آن چیست و باید این مسئله در ذهن سیاستگذاران کشور

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

The Arab Weekly

حضور ایران در مذاکرات آتش‌بس دوحه

هیثم الزبیدی - رسانه‌های دولتی ترکیه سخنان محمود عباس، در پارلمان ترکیه و در حضور رجب طیب اردوغان را با شور و حرارت زیادی منعکس کرده‌اند. برخی می‌خواهند ما بپذیریم که سخنرانی عباس در پارلمان ترکیه در پاسخ به سخنرانی بنیامین نتانیاهو در کنگره آمریکا انجام شده است.

عباس هم سعی کرد با بیان اینکه قصد دارد به غزه سفر کند، کمی چاشنی درام این سخنرانی را بیشتر کند. مسلماً عباس، نتانیاهو نیست و پارلمان ترکیه هم کنگره آمریکا نیست. این سخنرانی به فاصله یک روز بعد به کلی فراموش شد و بار دیگر چشم جهانیان به مذاکرات آتش‌بس در دوحه دوخته شد. پس از ترور اسماعیل هنیه در تهران، خیلی چیزها تغییر کرده است. حالا هنیه حذف شده، به نظر می‌رسد که ترکیه بازنده‌ترین بازیگر عرصه قدرت در خاور میانه است. در دوحه تحولی منحصربفرد در جریان است که می‌تواند روند درگیری را تغییر دهد. مذاکرات دوحه قرار است میزان تنش را کاهش دهد. روند اخیر مذاکرات با توجه به احتمال ورود ایران و اسرائیل به درگیری مستقیم بسیار اهمیت دارد. آنچه در واقع رخ داده، این است که ایران توانسته جایگاه خود را در میز مذاکره حفظ کند.

تماس تلفنی دوم محمد آل‌ثانی، وزیر خارجه قطر با علی باقری کنی، سرپرست وقت وزارت خارجه ایران که در کمتر ۲۴ ساعت پس از تماس نخست صورت گرفت، هیچ شکای باقی نگذاشت که ایران نقش مهمی در روند مذاکرات دوحه دارد. دو سناریو در خصوص این تماس‌های تلفنی می‌توان متصور شد؛ سناریوی نخست این است که وزیر خارجه قطر از ایران خواسته تا از ارائه پاسخ خود به اسرائیل در خصوص ترور هنیه در تهران، کمی صبر کند و قصد داشته به ایران اطمینان دهد که روند مذاکره رو به پیشرفت است. سناریوی دوم هم ممکن است این باشد که قطر از ایران خواسته از یحیی سنوار بخواهد تا شرایط اسرائیل را بپذیرد تا هر دو طرف از این بحران رها شوند. شاید سناریوی دوم واقعی‌تر باشد. شکی وجود ندارد که هنیه نیز در برخی موارد هماهنگی‌هایی با ایران داشت. پس از هفتم اکتبر، هنیه بارها به تهران سفر کرده بود. بنابراین حالا این ایران است که بازیگر عرصه شده است. شکی نیست که ترکیه سرمایه‌گذاری زیادی بر روی حماس کرده است. البته باید گفت که این سرمایه‌گذاری دوطرفه بوده است. تصویر منطقه‌ای اردوغان پس از ستایش حماس از او بهتر شد. برای مدت چندین سال و پس از حمایت اردوغان از اقدام کشتی مرمره برای شکستن محاصره غزه در سال ۲۰۱۰، ترکیه‌ای اردوغان به‌عنوان یک حکومت نئوعثمانی مطرح شد که قصد دارد فلسطین را آزاد کند. دوحه نیز جزئیات مالی و رسانه‌ای این دیدگاه را برعهده داشت و هر دو در روند تصمیم‌گیری حماس نفوذ داشتند اما در حاشیه نفوذ ایران در حماس نیز رفته‌رفته این احساس کمتر شد. ترکیه و قطر همواره از حماس حمایت کرده‌اند اما جرأت ارسال سلاح به حماس را نداشتند. ایران تنها کشوری بود که علناً اعلام کرد به حماس کمک تسلیحاتی خواهد کرد و این کمک بر نفوذ ایران افزود. عملیات طوفان الاقصی نه‌تنها ضربه مستقیمی به اسرائیل وارد کرد بلکه از نظر ایران، نفوذ ایران بر حماس را تثبیت کرد و نشان داد که ایران تا چه اندازه بر تحولات فلسطین اثرگذار است. نخستین اثر این عملیات این بود که قطر حمایتش را از حماس قطع کرد. ترکیه نیز در هفته‌ها و ماه‌های نخست پس از هفتم اکتبر در سردرگمی قرار گرفت. پس از آن نیز ترکیه به‌رغم انتقادات شفاهی از اسرائیل همچنان به روابط تجاری با تل‌آویو ادامه داد و صرفاً بخشی از مبادلات تجاری اش را معلق کرد. امروز شرایط به نحوی است که هیچ‌کسی از اردوغان نمی‌خواهد که بر حماس اعمال نفوذ کند و در مذاکرات دوحه نقش آفرینی کند. حتی سخنرانی محمود عباس در پارلمان ترکیه نیز نتوانست به اندازه کافی توجهات را به ترکیه جلب کند. حالا این ایران است که یک صدلی در مذاکرات دوحه به خودش اختصاص داده است حتی اگر در این مذاکرات حضور فیزیکی نداشته باشد.